

مراحل شاخص مشاوره مسیحی
مرحله اول: آغاز کار
فصل اول

**Critical Stages of
Biblical Counseling**

نویسنده: جی آدامز
مترجم: شاهرخ صفوی

پیشگفتار مترجم

جزوه ای که در دست دارید، ترجمه کتاب "مراحل شاخص مشاوره مسیحی" است. این کتاب شامل بیش از سی فصل می باشد و انتشار تمام کتاب بصورت یک فایل اینترنت خردمندانه نیست. به ناچار فصل های این کتاب بصورت جداگانه انتشار یافته اند. دعای من این است که ایمانداران فارسی زبان از طریق این کتاب، آشنائی بیشتری از مراحل عملی اجرای کلام خدا بدست آورند. شخصی که به مشاور مسیحی رجوع می کند در این کتاب "مقاضی" نامیده شده، و شخص مشاور نیز "مشاور" نامیده شده است. شاهرخ صفوی

فهرست

مقدمه

مرحله اول آغاز کار

مرحله دوم گشایش

مرحله سوم اهداف پایانی

مرحله اول

فصل اول

جلسه اول ممکن است تبدیل به جلسه آخر بگردد

منظورم دقیقاً آنچه نام این فصل به آن اشاره می کند است - جلسه اول ممکن است جلسه آخر بگردد. دلیل آن است که می خواهم هشدار بدهم، راه های بسیاری هست که امکان قطع مشاوره را در همان ابتدا ایجاد می کنند. نتیجتاً تعجب نکنید که در بعضی از موارد، مردم تنها یک بار به جلسه مشاوره رجوع می کنند. علاوه بر دلائلی که در خصوص همه موارد صدق می کنند، دلائل خاصی نیز هست که مشاوره به جلسه دوم نمی رسد. من می خواهم تعدادی از این دلائل را بررسی کنم تا امکان ایجادشان را برای شما کم کرده باشم. حد عقل، دانستن چنین وقایعی خود جلوی غافلگیر شدن و ناکامی را خواهند گرفت.

اساساً دلائل موجود را می توان به سه قسمت تقسیم کرد:

۱. مسئله در همان جلسه اول حل گشته.
 ۲. متقاضی باز نمی گردد.
 ۳. شما به دلیلی مشاوره را ادامه نمی دهید (موقتاً یا دائمی).
- من به هر یک از این مسائل بطور جداگانه رسیدگی خواهم کرد.

مواردی پیش می آیند که در همان جلسه اول حل می گردند. این موارد تعدادشان معدود است، و معمولاً جنبه نیاز به اطلاعات یا نصایح ساده را دارند. مثلاً متقاضی وقت ملاقات را برای بحث راجع به دانشگاهی که می خواهد در آن نام نویسی کند درخواست می کند. معمولاً شایستگی امکانات را در این موارد می توان در همان جلسه اول مطرح کرد. اما، خطراتی را نیز باید در نظر داشت. ممکن است در این کار، تصمیم گرفته شده بر مبنی اطلاعات ناکافی بدست آمده باشد. جلسه دوم یا سوم ممکن است سودمند باشند. وقتی به حل سریع موردی می رسید، به راحتی فکر نکنید کار تمام شده. حل سریع مسائل همیشه تا زمانی که اطمینان نیافته اید کار دیگری نمانده انجام دهید، باید مظنون واقع شوند. متقاضی ممکن است قبل از تصمیم، تشویق شود اطلاعات بیشتری را بدست آورد (کاتالوگ دانشگاه، صحبت با فارغ التحصیلان، دیدار از دانشگاه و صحبت با مدیران، و غیره). برای رسیدگی به چنین تکالیفی ممکن است نیاز به جلسات بیشتری باشد.

اگر شک دارید، هیچ گاه جلسات را خاتمه ندهید. اما از طرف دیگر اگر کاری نیست که انجام دهید، جلسات را خاتمه دهید. در مواقعی که مطمئن نیستید جلسات را خاتمه بدهید یا نه، به متقاضی بگوئید، ”ممکن است پس از این جلسه سؤالات تازه ای برای شما پیش آید، یا اطلاعات تازه ای نسبب شما گردد. می خواهم آزاد باشید وقت ملاقات برای جلسه دوم یا سوم را داشته باشید.“ به او اطمینان بدهید که چنین وقایع معمولاً اتفاق می افتند و نباید امکانات ملاقات دیگر را نادیده بگیرید. اگر شما فکر می کنید سؤالات تازه بوجود خواهند آمد و متقاضی ممکن است میل به ملاقات دیگر را نداشته باشد، شما خود وقت ملاقات دیگر را ایجاد کنید.

موارد دیگری نیز هست برای آنکه شخصی نیاز به کمک دارد تا تصمیمی را بگیرد (تغییر مکان، ازدواج با شخصی، تغییر شغل، و غیره) و به این خاطر می خواهد مشاور امکاناتی را برایش در

نظر بگیرد. همانطور که قبلاً گفته شد، ممکن است تنها یک جلسه کافی باشد (و ممکن است امکان جلسه دیگر نباشد چون تصمیم باید همان جا گرفته شود)، اما حتماً اطمینان را حاصل کرده باشید. معمولاً وقتی مشاور راجع به امکانات مختلفی که مطابقت با کتاب مقدس دارند صحبت لازم را کرده (و از لحاظ مشاور مسیحی این مهمترین نکته می باشد)، سؤالاتی پس از ترک جلسه در خصوص نحوه انجام آیات مربوطه، برای متقاضی پیش می آیند. این امکان را برایش توضیح دهید، و از او بخواهید آن سؤالات را روی کاغذ یادداشت کند و به جلسه بعدی بی آورد. کل موضوعی که می خواهم بگویم این است - وقتی متقاضی کمکی که لازم دارد را در یک جلسه دریافت می دارد، پایان دادن به مشاوره ممکن است کار درستی نباشد. هر دو شما باید آزاد بوده باشید جلسه دوم را ترتیب دهید. خطر اینجا است که چون ممکن است سر شما مشغول بوده، خوشحال بشوید که جلسات دیگری لازم نمی باشند. او نیز ممکن است خوشحال و خاطرش آسوده باشد که لازم نیست برگردد. در چنین شرایطی تمایل در آن است که مشاوره را خاتمه داد. اما نباید بگذارید دستخوش این امیال بشوید. هر متقاضی استحقاق توجه و برداشت کامل خود را دارد. از طرف دیگر، افرادی هستند که دلشان می خواهد جلسات مشاوره ادامه یابند، حتی وقتی مشکلی نیست که به آن رسیدگی نشده باش. اما متقاضی ممکن است بخواهد دوباره برگردد (ممکن است احساس تنهایی می کند و از صحبت با شخص دلسوز لذت می برد^(۱)). یا ممکن است تصمیم گرفتن برایش مشکل باشد (راجع به همه چیز). در چنین شرایطی باید به متقاضی آموزش داد چگونه قاطع باشد. در حقیقت در همان جلسه اول ممکن است متقاضی تشویق گردد تصمیم را گرفته و در هفته آینده دنبال آن را بگیرد. اما افرادی هستند که نیاز به مشاوره بیشتری دارند، نه در مورد آنچه رجوع شده، بلکه در مورد مسئله تصمیم گرفتن. این کار را بهتر است در جلسه ای که مربوط به خود آن است انجام دهید. هر دو را در یک جلسه انجام ندهید. بطوری که گفتم، جلسه اول ممکن است حقیقتاً آخرین جلسه باشد، چون مسئله متقاضی حل شده، یا او نمی خواهد برگردد، یا شما لزومی به ادامه آن نمی بینید. ما به دلیل مورد اول پرداختیم، و حال به دلیل دوم می پردازیم.

متقاضی ممکن است به جلسه بعدی نیاید، با وجود آنکه جلسه دوم ترتیب داده شده است. بسیاری در همان روز ملاقات تلفن می زنند و می گویند که به جلسه نخواهند آمد. لازم است به منشی خود طریق رسیدگی به این گونه موارد را بدهید. یک نمونه چنین است:

”الو، دفتر کشیش انصاری، من فاطمه منشی ایشان هستم، بفرمائید.“

”الو، سلام فاطمه خانم، من شیدا هستم. متأسفانه نمی توانم امروز به جلسه مشاوره بیایم.“

”ممکن است بفرمائید چرا نمی توانید؟“

”راستش حال آمدن به آن را ندارم.“

”کشیش انصاری می گویند این در حقیقت بهترین زمانی است که به جلسه بی آئید چون امکان خاصی را ایجاد می کند.“

البته موارد مختلفند، اما به منشی باید آموزش داد چگونه جواب ”نه“ متقاضیان را بدهد. باید تاکید کنید، مگر آنکه پایش شکسته، متقاضی دلیل خوب دیگری برای تعطیل جلسه ندارد. شاید لازم باشد حقیقت آنکه وقت با ارزش خود را در اختیار متقاضی قرار داده اید، و یا نمی توان کاری که خدا در جلسات مشاوره می کند را نادیده گرفت را، عنوان کنید. اگر جلسات مشاوره دوره اول یا اواسط را می گذراند، لازم است به هر قیمت که شده جلسات را ادامه داد.

بعضی متقاضیان بخاطر آنکه آنها را مجبور می کنید زندگیشان را مطابق با کلام خدا تطبیق نمایند به جلسات باز نمی گردند. شاید متوجه می شوند که تغییر لازم است، اما مشکل نیز هست. حتی تصور تغییر ممکن است مسئله ایجاد کرده باشد. ممکن است احتیاج باشد متقاضی کار هائی را

بکند که تا بحال نکرده، یا دوست ندارد بکند. در چنین صورتی باید متقاضی را تشویق کرد، اما هشدار نیز داد که به تعویق انداختن خواست خدا مسائل و دردهای بیشتری را همراه خواهد داشت. باید متوجه شوند که سرپیچی عمدی بسیار خطرناک است. از ایشان بپرسید، ”آیا اطمینان دارید که میخواهید به خدا بگوئید نه؟“

متقاضیانی نیز هستند که برداشتشان اشتباه است. نمی دانند که به تعویق انداختن آنچه کار صحیح می باشد، بی اطاعتی است (۲). ممکن است زمانی برسد که پس از صرف وقت لازم برای توضیح آنچه کلام گفته، و چگونه دقیقاً به متقاضی مربوط می شود را بکنید، و باز هم سؤال و در نتیجه آن شک و تردید نسبت به تفسیر و اصول آن بدست آورد. در هر یک از این موارد چاره ای نیست جز آنکه وقت بیشتری صرف توضیح مطالب بکنید.

علاوه بر این مسائل، امکان دارد ترس از انجام خواست خدا باعث سرپیچی شود. شاید از شکست خوردن در راه خدا می ترسند. باید بدانند که ترس، خود عامل عمده شکست در راه خدا است. به متقاضیان این اطمینان را بدهید که لزومی برای ترس نیست، چون خدا آنچه را آغاز کرده (در زندگی او به میان آورده)، به پایان خواهد رسانید. اما روح القدس معمولاً در حالی که متقاضی مشغول ”انجام“ آنچه مربوط به او می باشد (یعقوب ۱: ۲۵) کارش را انجام می دهد، نه قبل از آن. باید قدم لازم را برداشت تا خدا برکت دهد. نتیجتاً، بهانه هائی چون ”من فکر نمی کنم بتوانم آن را انجام دهم“، حقیقت نمی توانند داشته باشند. به آن ها بگوئید:

”آنچه خدا می خواهد انجام شود، قدرت لازم را نیز فراهم می سازد. ممکن است قبلاً در راه های بسیاری شکست خورده اید، و می دانم وقتی امید انسان نقش بر آب می شود بسیار درد ناک است. اما حال وضع تغییر یافته و کلام خدا را پیش گرفته اید. اگر مطابق به آنچه در کلامش گفته رفتار کنید، می توانید مطمئن باشید که خدا نخواهد گذاشت شکست بخورید.“

ممکن است وقت بیشتری را لازم باشد تا متقاضی راضی بگردد. به هنگام تشریح وعده های خدا لازم است متقاضی بفهمد که این شما نیستید که وعده را می دهید بلکه وعده از خدا است. همیشه ایمان و اطمینان متقاضی را به جانب کلام خدا هدایت کنید (با تشریح آیات)، نه به جانب خودتان. و اما کسانی هستند که از تکلیفی که دادید خوششان نمی آید، و یا چون آن را انجام نداده اند، نمی خواهند به جلسه باز گردند. فکر می کنند با روبرو شدن با شما خجالت خواهند کشید. از منشی بخواهید بگوید که لازم است به جلسه برگردند تا شما بتوانید تکلیف داده شده را بهتر توضیح دهید. منشی نیز باید بگوید که انجام ندادن تکالیف معمولاً مسائل دیگری را که اساسی هستند افشا می کنند. در نتیجه، انجام ندادن تکالیف برای مشاور (و متقاضی) دلیل خوبی هستند برای ادامه به جلسات مشاوره. وقتی دلیل انجام ندادن کار را تفحص می کنید، ممکن است معلوم شود که متقاضی بی نظم است، یا راهنمائی ها را درست نفهمیده، تنبل است و یا از طریق امورات دیگر از راه خارج می شود، یا آنکه فکر می کند راه بهتری از خدا را در اختیار دارد. حقایق با ارزشی که انجام ندادن تکالیف افشا می کنند بسیارند. آنها را بخوبی تفحص کنید. در آنها، معمولاً اساس مسائل (یا مسائلی که ابتدا عنوان گردید) را پیدا خواهید کرد. نتیجتاً به هر قیمتی شده، سعی کنید آن متقاضی که تکلیفش را انجام نداده را، با تشویق یا هشدار به جلسات بازگردانید.

بعضی متقاضیان با سماجت از انجام خواست خدا سر پیچی می کنند. به عنوان مثال، کسانی هستند که دست از زناکاری بر نمی دارند، با وجود آنکه می دانند از نظر خدا گناه است. اشخاص دیگری از درخواست بخشش نسبت به گناهی که کردند امتناع می ورزند. در چنین شرایط لازم است به

ایشان فهماند که این روح سرکشی است، و اگر به آن اجازه داده شود تا ادامه یابد، به انضباط کلیسا منجر خواهد شد. شرح کامل این موضوع، خصوصاً در رابطه با امکان اخراج شدن از کلیسا، امر مهمی است.

اول قرن‌تین ۵

۵: این مرد را به شیطان بسپارید تا با نابودی نفس گناهکار، روح در روز خداوند عیسی نجات یابد.

بسیاری نمی‌دانند که ”این مرد را به شیطان بسپارید“، ممکن است این باشد که متقاضی دچار مسائل و مشکلات بشود که تبدیل به ”نابودی نفس گناهکار“ (صدمه جسمانی) می‌گردند.^(۳) البته این ناامید کننده ترین موردی است که ممکن است در جلسه اول ایجاد گردد، و شما باید کمال سعی خود را بکنید تا آن پیش نیاید. برای متقاضی (و همراه او) دعا کنید. بیش از یک بار سعی کنید نظرش را تغییر دهد. بعضی مواقع موفق خواهید شد، اما همیشه نه. از آن اطمینان داشته باشید. بعضی جلسات مشاوره اولیه تبدیل به جلسه آخر خواهند شد، فرقی نمی‌کند چکار بکنید. حال می‌پردازیم به مورد سوم - شما هستید که جلسات را خاتمه می‌دهید. شاید تعجب کنید که لازم می‌شود خود چنین کاری را بکنید. چه باعث چنین تصمیمی می‌گردد؟ دلایل بسارند و نمونه آن‌ها را بازگو خواهیم کرد.

اگر انضباط کلیسا، که راجع به آن صحبت کردم، لازم باشد، ممکن است بناچار جلسات را قطع کنید تا کلیسا کارش را شروع کند. شاید شما جریان کار انضباط کلیسا را آغاز کنید. اگر متقاضی از شما درخواستی کند که نمی‌تواند بر آورده کنید، حتی پس از آنکه سعی کرده اید درخواستش را تغییر بدهد، آنوقت مجبور خواهید شد مشاوره را خاتمه دهید. ممکن است از شما بخواهد موضوع رابطه نامشروعی که دارد را به زنش نگوئید. رازداری در مشاوره مسیحی مطلق نیست. توافق نامه ای که متقاضی در آغاز امضاء می‌کند باید بطور واضح اعلام کند که رازداری مشاوره مسیحی مطابقت با کلام خدا را خواهد داشت، و بطوری که می‌دانیم مطلق نیست. همچنین در این توافق نامه ماده دیگری لازم است اضافه شود مبنی بر آنکه تفسیری که مشاور از کلام خدا می‌کند هدایت کننده جلسات مشاوره مسیحی خواهد بود.

دلیل دیگری که باعث می‌شود جلسات را خاتمه دهید، عکس العملی است که از متقاضی انتظار دارید، و بدون آن نمی‌توانید به مشاوره ادامه دهید، ولی او امتناع می‌ورزد. در نتیجه جلسات مشاوره باید قطع گردد تا این عکس العمل بدست بیاید. بعنوان مثال، شاید شما نیاز دارید متقاضی به نامه ای که صحبت از آن کردم نظر موافق خود را اعلام کند. او ممکن است نخواهد انجام دهد. مورد دیگر این است که چنین تکلیف خانگی را داده اید: ”صورتی از آنکه چگونه بعنوان پدر، شوهر، و مرد، از خدا نافرمانی کرده اید را فراهم سازید“، ولی متقاضی راضی به انجام آن نمی‌باشد. تا زمانی که متقاضی آن را انجام نداده، ممکن است جلسات مشاوره به تعویق بی‌افتند. نوع سومی که باعث خاتمه دادن به مشاوره می‌شود این است که متقاضی نمی‌خواهد تغییری که کلام خدا امر کرده را قبول کند، بلکه تنها می‌خواهد کارش راه بی‌افتد. ممکن است خود بطور واضح این حرف را زده باشد. در خاتمه نیز، ممکن است شخصی که می‌گوئید مسیحی نیست به مشاوره مسیحی رجوع کند. شما چاره ای ندارید که به او بگوئید تا زمانی که مسیح را بعنوان ناجی و خدای خود قبول نکرده، نمی‌توانید مشاوره را آغاز کنید^(۴). چون تغییری را که خدا می‌خواهد انجام رساند غیر ممکن خواهند بود، و شما نیز کاری که خلاف آن است را انجام نخواهید داد^(۵).

در نتیجه می بینیم که جلسات مشاوره ممکن است در همان جلسه اول خاتمه یابند و یا برای مدتی به تعویق بی افتند. این موضوع دردناکی است، خصوصاً در مواردی که مشخص است تعداد جلسات بیشتری لازم است، ولی جز امیدوار بودن به آن کار دیگری نمی توان کرد. شما باید سعی خود را در انجام کار صحیح ادامه دهید، ولی بدانید که همیشه با موفقیت همراه نخواهد بود.

فهرست زیر نویس های فصل اول

- (۱) مشاوران مرد باید نسبت به زنانی که می خواهند جلسات ادامه یابند محتاط باشند.
- (۲) همیشه میان آنچه خدا می خواهد و طریق انجام آن را که شما می خواهید، فرق بگذارید. شما می توانید خواست خدا را امر کنید، ولی طریق انجام آن را تنها پیشنهاد کنید.
- (۳) به کتابچه من "کتاب دستی انضباط کلیسا" رجوع نمائید.
(این کتابچه تا بهال به زبان فارسی ترجمه نشده است)
- (۴) اما می توانید به او نشان دهید چگونه می تواند نجات را بدست آورد.
- (۵)

رومیان ۸

۸: و کسانی که در حاکمیتِ نفس هستند، نمی توانند خدا را خشنود سازند.